هم‌افزایی پلیس، سپاه و بسیج برای تأمین امنیت

فرمانده انتظامی پایتخت با تأکید بر اینکه پلیس، سپاه و بسیج پاسدار امنیت هستند، گفت: در جریان اغتشاش‌ها گروهک‌های تروریستی، فریب‌خوردگان و مزدورانی دستگیر شدند که اطلاعات آن رسانه‌ای خواهد شد.

به گزارش «جوان»، سردار حسین رحیمی در جلسه تبیین و تقدیر از کارکنان پلیس با تشریح اتفاقات اخیر گفت: «دشمن تلاش بی‌وقفه و همه‌جانبه‌ای برای عقده‌گشایی و ضربه‌زدن به انقلاب و اسلام و در رأس آن برهم زدن امنیت خاطر مردم دارد. اوضاع و احوال و شرایط کشورهایی که نیروهای امریکایی به آنجا وارد شدند، کاملاً مشخص است و به وضوح قابل مشاهده و ملاحظه است که رهاورد و ثمره حضور امریکایی‌ها ناامنی و کشتار و خونریزی و چپاول سرمایه مردم است، همچنان که در افغانستان و عراق شاهد هستیم. سردار رحیمی با اشاره به حوادث اخیر و تلاش‌های دشمنان برای اینکه به مطامع خود دست پیدا کنند، گفت: در حوادث اخیر شاهد بودیم که در همان روزهای اول مردم مسیر خود را از اغتشاشگران جدا کردند و اجازه ندادند دشمنان به مقاصد شوم خود دست پیدا کنند. فرمانده انتظامی تهران بزرگ با اشاره به اینکه امروز فراجا، سپاه و بسیج دوشادوش هم و با هم‌افزایی پاسدار امنیت و آرامش شهروندان هستند، خاطر نشان کرد: در این حوادث گروهک‌های تروریستی فریب‌خوردگان و مزدورانی که دست‌نشانده و عروسک خیمه شب‌بازی دشمنان و به دنبال بمب‌گذاری و کشتار مردم بودند، دستگیر شدند که اطلاعات آن رسانه‌ای خواهد شد.

عامل آتش زدن صندلی مترو بازداشت شد

پلیس تهران از بازداشت فردی خبر داده است که با آتش زدن یکی از صندلی‌های قطار مترو در ایستگاه صادقیه قصد به آتش کشیدن قطار مترو را داشت.

به گزارش جوان، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت اعلام کرد با توجه به التهاب‌های چند ماهه در کشور و سوءاستفاده دشمنان از فضای اغتشاش‌های داخلی و جوسازی رسانه‌های بیگانه، فردی که صندلی یکی از واگن‌های متروی صادقیه را آتش زده بود و قصد برهم زدن نظم عمومی را داشت، بازداشت شد. براساس این گزارش، متهم با اظهار پشیمانی از اقدام خود اعتراف کرد که تحت تأثیر جوسازی رسانه‌های معاند در ایستگاه پایانی مترو و بعد از پیاده شدن مسافران، اقدام به آتش زدن صندلی مترو کرده بود که بعد از پیاده شدن بازداشت شد. براساس این گزارش، آتش به سرعت مهار و به کسی در این حادثه آسیبی نرسیده است.

قتل همسر به خاطر بیکاری و دوری از فرزندان

■ **آرمین بینا**

مسافر امریکا که به اتهام قتل همسرش بازداشت شده مدعی است به دلیل بیکاری و دوری از فرزندانش با مقتول مشاجره کرده و حادثه خونین را رقم زده است.

صبح دیروز سه‌شنبه ۲۴ آبان مرد ۶۲ ساله‌ای به نام منوچهر که متهم است ظهر روز چهارشنبه ۱۸ آبان همسرش را به قتل رسانده‌است برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

متهم روز حادثه همسرش را با ضربات متعدد چاقو در محل زندگی‌اش در برج مسکونی نزدیکی جنت‌آباد به قتل می‌رساند و بعد بدون اینکه حادثه را به کسی خبر دهد، جسد همسرش را داخل پذیرایی خانه‌اش رها و با خودرواش فرار می‌کند. دو روز بعد از حادثه، بامداد روز جمعه برادر همسرش وقتی خواهرش به تلفن او جواب نمی‌دهد، نگران می‌شود و از پلیس درخواست کمک می‌کند و در نهایت با جسد خواهر ۵۸ ساله‌اش به نام رعنا جلوی آشپزخانه روبه‌رو می‌شود. بدین ترتیب شوهر مقتول به عنوان مظنون به دستور قاضی میثم حسین‌پور، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران تحت تعقیب قرار می‌گیرد و روز یک‌شنبه ۲۲ آبان در بزرگراه قم به تهران بازداشت و به تهران منتقل می‌شود.

■ **اعتراف به قتل**

متهم مقابل بازپرس شعبه چهارم با اظهار پشیمانی به قتل همسرش اعتراف کرد و در ادعایی گفت: «من همسرم را به قتل رساندم و الان هم پشیمان هستم. البته ما زندگی خوبی داشتیم و اختلاف ما از زمانی شروع شد که دو پسر ۳۴ و ۳۶ ساله‌ام تصمیم گرفتند برای تحصیل و زندگی به امریکا بروند. همسرم موافق بود آنها به خارج بروند، اما من مخالف بودم و دوست نداشتم آنها از من دور شوند. به هر حال دو پسرم حدود هشت سال قبل با اصرار همسرم به امریکا رفتند و من هم به آنها کمک کردم و الان هم در رشته‌های مهندسی نفت و کامپیوتر در کشور امریکا مشغول به تحصیل هستند. من طاقت دوری فرزندانم را نداشتم و گاهی وقت‌ها با همسرم مشاجره لفظی می‌کردم که چرا اصرار کرد پسرانم به امریکا بروند و از من دور شوند.»

■ **بیکاری**

متهم ادامه داد: این تنها موضوع مشاجره‌های لفظی و درگیری ما نبود و اختلافات ما زمانی بیشتر شد که من بیکار شدم. البته من وضع مالی خوبی دارم، اما وقتی بیکار شدم، بیشتر وقت‌ها در خانه بودم و همین موضوع باعث مشاجره لفظی و درگیری ما می‌شد. شغل من طراحی فضای سبز بود و آهنگری هم برای زیباسازی انجام می‌دادم. درآمدم خوب بود تا اینکه از چند سال قبل به خاطر کرونا کار کم شد و من هم کم‌کم بیکار شدم.»

■ **قیمه خونین**

متهم درباره روز حادثه گفت: «ظهر روز چهارشنبه ۱۸ آبان وقتی از بیرون به خانه‌ام آمدم، همسرم برای ناهار خورشت قیمه درست کرده‌بود. ساعتی بعد او سفره را پهن کرد و با هم ناهار خوردیم، اما دوباره به خاطر همان موضوع قبلی با هم مشاجره کردیم. همسرم شروع به غر زدن کرد و من هم عصبانی شدم که درگیری ما بالا گرفت. خیلی عصبانی شدم و به آشپزخانه رفتم و چاقویی از داخل سینک ظرفشویی برداشتم و به همسرم حمله کردم. چند ضربه به او زدم و وقتی به خودم آمدم دیدم رعنا خونین افتاده‌است و نفس نمی‌کشد. همان لحظه پشیمان شدم، اما فایده‌ای نداشت تا اینکه تصمیم گرفتم از خانه فرار کنم.»

■ **عذاب وجدان**

قاتل در پایان گفت: «قرار بود ما با هم به دیدن فرزندانمان در امریکا برویم و ویزا هم تهیه کرده‌بودیم و روز دوشنبه ۳۰ آبان هم پرواز داشتیم، اما این حادثه رخ داد و بعد هم تصمیم گرفتم تنهایی به امریکا بروم. ساعتی پس از حادثه گذرنامه‌ام را همراه لباس‌هایم و کارت بانکی‌ام برداشتم و با خودروام از خانه بیرون آمدم، اما آنقدر ترسیده و دستپاچه شده‌بودم که تلفن همراهم را در خانه جا گذاشتم. من به کرمان رفتم. در این چند روز هم داخل خودروام خوابیدم. تصمیمم را گرفته‌بودم که پیش فرزندانم بروم، اما عذاب وجدان رهایم نکرد و هر شب کابوس می‌دیدم. به همین خاطر تصمیم گرفتم به تهران برگردم و خودم را به پلیس معرفی کنم که در راه برگشت در جاده قم به تهران مأموران مرا بازداشت کردند.»

از آنجایی که فرزندان متهم تلفنی اعلام کرده‌بودند پدرشان مشکل روحی و روانی دارد، بازپرس جنایی وی را پس از اعتراف برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل کرد تا مشخص شود وی هنگام حادثه سلامت روحی و روانی داشته یا نه. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

سرقت میلیاردی در ۱۵ دقیقه

چهار سارق مسلح که با دستبرد به خانه‌ای در شمال تهران در مدت ۱۵ دقیقه، چند میلیارد تومان سرقت کرده‌اند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. سرایدار ساختمان به عنوان مظنون بازداشت شده است.

به گزارش جوان، ساعت ۲۰:۳۰ شامگاه دوشنبه ۲۳آبان‌ماه به مأموران کلانتری ۱۲۲ دربند خبر رسید چهار سارق مسلح نقابدار، اعضای خانواده‌ای را در خانه‌شان در منطقه زعفرانیه گروگان گرفته و پس از سرقت چند میلیارد تومان طلا و لوازم گرانقیمت گریخته‌اند.

وقتی مأموران پلیس به محل حادثه رسیدند صاحبخانه که زن میانسالی بود، گفت: «من و دو دخترم در این آپارتمان زندگی می‌کنیم. دقایقی قبل زنگ خانه را زدند، وقتی از چشمی در نگاه کردم دیدم ایرج، سرایدار ساختمان پشت در است. او معمولاً در همین ساعت، آشغال‌ها را بیرون می‌برد. من هم به آشپزخانه رفتم و نایلون زباله را برداشتم، اما نمی‌دانستم که پشت در چه خبر است. وقتی در را نیمه‌باز کردم و نایلون زباله را به ایرج دادم، مردی پایش را میان در و چهارچوب گذاشت و مانع بسته شدن در شد. بعد هم چهار مرد نقابدار مسلح به کلت کمری و چاقو همراه سرایدار وارد خانه‌ام شدند.»

■ **۱۵ دقیقه گروگانگیری**

وی ادامه داد: «من و دخترانم وقتی چشمانمان به مردان مسلح افتاد از ترس دست و پایمان به لرزه افتاد، به‌طوری که توان حرف زدن نداشتیم. آنها تهدید کردند اگر فریادی بزنیم و بخواهیم همسایه را باخبر کنیم، ما را با گلوله به قتل می‌رسانند. مرد خشن همان ابتدا سرایدار را همراه یکی از دخترانم داخل دستشویی حبس کرد. سپس دو نفرشان به سراغ من و دختر دیگرم آمدند و یکی از آنها اسلحه‌ای روی شقیقه دخترم گذاشت و دیگری هم چاقویی زیر گلوی من فشار داد و از ما خواستند محل نگهداری طلاها و وسایل گرانقیمت‌مان را به آنها نشان دهیم. خیلی ترسیده بودیم و از ترس جان خودم و دو دخترم مجبور شدم محل نگهداری طلاها، دلارها و وسایل گرانقیمت را به آنها نشان بدهم. سارقان ۱۵ دقیقه ما را داخل اتاقی گروگان گرفتند و بعد تمامی طلا و جواهراتمان را به ارزش ۴ میلیارد تومان، یک ساعت خارجی ۷۰۰ میلیون تومانی، هشت سکه تمام بهار آزادی و ۴ هزار و ۴۰۰ دلار سرقت و از خانه‌مان فرار کردند.»

■ **بازداشت سرایدار**

شاکی در پایان گفت: «من به سرایدار مشکوک هستم و احتمال می‌دهم که او سارقان را اجیر کرده است، چون سارقان اطلاعات زیادی از خانه من داشتند. قبلاً پسرش سرایدار ساختمان بود، اما چندی قبل به همراه زن و فرزند خردسالش به جای پسرش آمد و سرایدار ساختمان شد. او معتاد به مواد مخدر است و چند روز قبل هم همسر و فرزندانش را به شهرستان فرستاد تا نقشه سرقت را بهتر و راحت‌تر همراه با همدستانش اجرا کند.»

با طرح این شکایت، مأموران پلیس به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۳۴، سرایدار ساختمان مسکونی را به عنوان مظنون بازداشت کردند. وی در بازجویی‌ها با انکار جرمش در ادعایی گفت: «من سارقان را نمی‌شناسم و شب حادثه هم داخل اتاق سرایداری‌ام بودم که متوجه شدم چهار مرد از آسانسور پیاده شدند. آنها از طبقات بالا به پایین می‌آمدند و من احتمال دادم میهمان یکی از آپارتمان‌ها باشند، اما ناگهان به من حمله کردند. آنها شاکی را به اسم و فامیل می‌شناختند و از من خواستند آپارتمان او را به آنها نشان دهم. ابتدا قبول نکردم، ولی وقتی مرا تهدید به مرگ کردند مجبور شدم با آنها همکاری کنم.»

آسفالت و تخریب دریچه فاضلاب تا کی؟

آسفالت‌ریزی روی دریچه‌های فاضلاب شهری برای در امان ماندن از دست سارقان، شیوه‌ای است که سازمان خدمات‌رسان آب و فاضلاب آن را به کار گرفته است. هر زمان نیاز به دسترسی به درون این کانال‌ها وجود داشته باشد باید آسفالت‌ها تخریب و بعد از انجام فعالیت، دوباره روی دریچه آسفالت شود.

احتمال می‌رود شرکت آب و فاضلاب با شرکت‌های ایزوگام در قرارداد مستمر اورژانسی باشد که هر زمان نیاز به بازرسی از درون کانال‌ها وجود داشته باشد، تیمی از آسفالت‌کاران خود را به آنجا برساند و بعد از انجام امور محوله، روی دریچه را آسفالت کند که در غیر این صورت این امکان وجود دارد چند ساعت بعد دریچه به سرقت برود. حفاظت از اموال عمومی باید با سازوکارهایی انجام شود که منجر به هدررفت بیشتر سرمایه‌های عمومی نشود. سازمان‌های خدمت‌رسان باید با سازمان‌های نظارتی و مراقبتی در این باره هم‌اندیشی کنند تا ناگزیر نشوند در قدم‌های بعدی چهره‌ای کریه‌تر از ارائه خدمات را به جامعه معرفی کنند. این روزها اگر شخصی از شهرداری بخواهد آسفالت‌های تخریب شده در معبری را بازسازی کند باید تا مدت‌ها پله‌های شهرداری را بالا و پایین برود که پیشنهاد می‌شود روی محل تخریب شده دریچه‌ای فلزی قرار داده شود تا به سرعت روی دریچه آسفالت شود!

قتل راننده زانتیا سر به مهر ماند

ناکامی پلیس برای یافتن عامل یا عاملان قتل راننده زانتیا که جسد سوخته‌اش در خودروی او کشف شده‌بود، موجب شد اولیای دم درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کنند.

به گزارش «جوان»، تیر ماه سال ۹۵، مأموران پلیس تهران یک خودروی سوخته زانتیا در جنوب شهر کشف کردند که در بررسی آن، جسد سوخته راننده نیز کشف شد. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد آتش‌سوزی عمدی بوده‌است.

به این ترتیب، پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و در نخستین گام از تحقیقات مأموران با استعلام پلاک خودرو، توانستند مالک آن را که مرد ۳۵ ساله‌ای به نام احسان بود، شناسایی کنند. همچنین مشخص شد چندی قبل خانواده احسان ناپدید شدن او را به پلیس اعلام کرده‌بودند. مأموران پلیس در جریان تحقیقات بیشتر هم نتوانستند عامل یا عاملان قتل را شناسایی کنند، بنابراین با گذشت شش سال از حادثه خانواده احسان با نوشتن نامه‌ای درخواست کردند دیه پسرشان از صندوق بیت‌المال پرداخت شود. با اعلام این درخواست، پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و پدر مقتول به قاضی گفت: «هیچ وقت از پسرم نشنیده‌بودم که با کسی خصومتی داشته باشد. از اقوام و اطرافیان هم مطمئن بودم که با احسان هیچ اختلافی ندارند. نمی‌دانم چه کسی یا کسانی با چه انگیزه‌ای پسرم را بی‌رحمانه به قتل رساندند. در این شش سال هر روز و هر ساعت منتظر پیدا شدن قاتل یا قاتلان او بودیم تا انگیزه قتل مشخص شود. حالا که امیدی به پیدا شدن قاتل نیست درخواست داریم دیه پسرم از بیت‌المال پرداخت شود.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

طرح بازداشت دلالان ارزی پایتخت عملیاتی شد

رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از اجرای طرح دستگیری دلالان و برهم‌زنندگان نظم بازار ارز خبر داد.

به گزارش جوان، سرهنگ هدایت بهرامی با اشاره به اهمیت نوسان قیمت ارز و تأثیر بر ساختار کلی اقتصاد گفت: از آنجا که معاندان همواره به دنبال ضربه زدن به جمهوری اسلامی هستند و در این مسیر نیز از افراد فرصت‌طلب، سودجو و طماع استفاده می‌کنند، اجرای طرح دستگیری دلالان و برهم‌زنندگان نظم بازار ارز در دستور کار قرار گرفته است.

وی ادامه داد: پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از ۱۲ تا ۲۳ آبان‌ماه، ۴۸ نفر از اخلالگران ارزی را بازداشت کرد و با تشکیل ۳۲ فقره پرونده توانست بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار انواع ارز به ارزش ۲۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان را در این باره کشف کند.

انکار کوری چشم در دادگاه

■ **فاطمه صبور**

دو مرد جوان که متهم هستند در جریان یک نزاع چشم دوستشان را کور کرده‌اند، روز گذشته محاکمه شدند.

اردیبهشت ماه امسال، درگیری چند مرد جوان در پارک شقایق تهران، مأموران پلیس را به محل کشاند و در بررسی‌های اولیه معلوم شد مرد جوانی به نام اکبر از ناحیه چشم مجروح و راهی بیمارستان شده‌است. همچنین مشخص شد دو مرد جوانی که در آن درگیری حاضر بودند، از محل فرار کرده‌اند.

تحقیقات در این‌باره ادامه داشت که خبر رسید یکی از چشمان اکبر بر اثر شدت جراحات تخلیه شده است. او بعد از ترخیص از بیمارستان به اداره پلیس رفت و از آن دو مرد به نام‌های شاهرخ و شاهین شکایت کرد. او آنها را عامل کوری چشمش معرفی کرد و از پلیس خواست آنها را دستگیر کند.

با طرح این شکایت دو مرد جوان تحت تعقیب قرار گرفتند و سرانجام چند روز بعد شناسایی و بازداشت شدند. متهمان ابتدا جرمشان را انکار کردند، اما در روند بازجویی‌ها بالاخره به کوری چشم شاکی اعتراف کردند و گفتند ناخواسته مرتکب جرم شده‌اند.

با اقرار متهمان، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و بعد از تعیین شعبه روی میز هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه قرار گرفت. ابتدای جلسه شاکی به جایگاه رفت و در طرح شکایش گفت: «روز حادثه از پارک عبور می‌کردم که دو متهم را دیدم. آنها بی‌دلیل به طرفم آمدند و شاهرخ شروع به فحاشی کرد. به او اعتراض کردم که گفت اگر دعوا داری به محل دیگری برویم. عصبانی شدم و جوابش را دادم، اما یکباره همراه دوستش شاهین به من حمله کردند. من تنها بودم و کسی ما را از هم جدا نکرد، به همین خاطر نتوانستم از خودم دفاع کنم. همان موقع آنها دست‌هایم را از پشت سر گرفتند و کاملاً بی‌دفاع شدم. ناگهان شاهرخ با مشت چند ضربه به چشم و صورتم زد سپس رهایم کردند. دستم را روی صورتم گرفتم که خونین شد. وقتی به بیمارستان رفتم، پزشکان خیلی تلاش کردند تا چشم چپم تخلیه نشود، اما آنها به این نتیجه رسیدند اگر الان این کار انجام نشود، چشم راستم نیز آسیب خواهد دید. برای متهم درخواست قصاص چشم دارم.»

در ادامه شاهرخ به جایگاه رفت و با انکار جرمش گفت: «قبول دارم با شاکی درگیر شدم، ولی خودش هم مقصر بود و به من فحاشی کرد، اما ضربه‌ای به صورتش نزدم. او بود که دست‌های مرا گرفت و چند بار مرا به دیوار کوبید. طوری که فکر کردم می‌خواهد مرا از دیوار پارک به پایین پرتاب کند.» دیگر متهم نیز به جایگاه رفت و گفت ضربه‌ای به صورت شاکی نزده‌است.

با انکار متهمان قاضی به اعترافات اولیه آنها اشاره کرد و گفت: چرا قبلاً به درگیری و کور کردن چشم شاکی اعتراف کرده بودید؟

در جواب این سؤال شاهین گفت: «من کلماتی را که در دادسرا از من سؤال می‌شد، به خوبی نمی‌دانستم و آن موقع تحت فشارهای بازجویی اتهامم را قبول کردم. باور کنید هیچ ضربه‌ای به صورت شاکی نزده‌ام و او خودش هم می‌گوید شاهرخ به او ضربه زده‌است.»

سپس شاهرخ به جایگاه رفت و در پاسخ ادعای دوستش گفت: «در این مدت خیلی کنجکاوی کردم تا فهمیدم شاکی برای اینکه بتواند به خواسته‌اش برسد، تلاش می‌کند این اتهام را گردن من بیندازد، به همین خاطر با شاهین تبانی کرده‌است تا مرا محکوم کنند.

حالا شاهدی دارم که گواهی می‌دهد بی‌گناه هستم. با این ادعا شاهد حادثه به دستور ریاست دادگاه به جایگاه رفت و گفت: «آن روز من در پارک بودم که متوجه درگیری شدم. جلو رفتم که این سه نفر را دیدم. آنها را می‌شناختم، ولی وارد درگیری نشدم و وساطت نکردم، چون خیلی عصبانی بودند و ترسیدم به من آسیبی برسد. شاهرخ راست می‌گوید او هیچ ضربه‌ای به شاکی نزد و این اکبر بود که او را محکم به دیوار کوبید. او وقتی شاهرخ را رها کرد، چوبی به سرش خورد و گیج روی زمین افتاد. باور کنید شاهرخ بی‌گناه است.»

در پایان هیئت قضایی با اعلام ختم جلسه وارد شور شد.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

مفقودی

برگ کمپانی خودروی سواری پژو ۲۰۶TU۵ رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۱۹۶س۶۴ ایران ۶۸ و شماره شاسی NAAP۱۳FE۴GJ۸۷۸۴۰۱ و شماره موتور ۱۶۳B۰۲۷۹۹۰۵ متعلق به نجما کیان با کد ملی ۴۸۳۹۴۳۹۶۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری پراید ۱۱۱SE رنگ سفید مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۳۸- ۸۲۵د۲۵ و شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰E۵۷۹۶۹۱۲ و شماره موتور ۵۲۰۰۸۷۴ متعلق به بیژن والدی با کد ملی ۰۰۴۵۴۶۹۱۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ کمپانی خودرو پراید به رنگ سبز متالیک مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ایران ۶۸-۲۹۴م۱۷ و شماره موتور ۲۵۳۶۵۹ و شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۰۱۵۸۶۶۳ متعلق به داود جاهدی با کد ملی ۳۲۵۵۹۲۳۵۰۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سیدمحمد اعتصامی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق‌شده اعلام نموده است که سند مالکیت شش‌دانگ یک‌دستگاه واحد اداری واقع در طبقه دوم سمت جنوب‌شرقی قطعه دوم تفکیکی به‌مساحت ۹۵/۴۲ مترمربع به‌شماره پلاک ۳۰۹۴۱ فرعی از ۱۵۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۵۵۹۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان به‌نام متقاضی ثبت به‌شماره چاپی ۰۶۳۰۶۳ و دفتر الکترونیکی به‌شماره ۱۳۹۸۲۰۳۳۱۰۰۹۰۱۳۷۷۵ صادر و تسلیم شد سپس تمامی مورد ثبت در رهن بانک توسعه تعاون قرار گرفته که سند مالکیت به‌علت سرقت مفقود گردیده است. لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. م.الف: ۵۰۳/ف

مسلم مرزآرا - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج - از اسماعیل کلانتری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۱۸۵۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه ۵ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا اللهی فرزند علی در شش‌دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۵۵۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۱۷ اصلی بخش ۹ واقع در اراضی سرخ‌صحرا جاده تبادکان متعلق به خود متقاضی (سهم مشاعی خودش) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵

م.الف: ۵۰۲ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد